

Validity Investigation of the Narrations of the Book "Mesbah al-Motehajjed wa Selah al-Moteabbed"¹

Rahin Takfalah^{*}

Seyyed Mohammad Baqer Hojjati^{**} Mahdi Mehrizi Toroghi^{***}
(Received on: 2019-12-03; Accepted on: 2020-01-30)

Abstract

Narrated prayers are an important part of Shiite hadiths. Compilation of such prayers has been the focus of the hadith scholars since the first periods. The comprehensive and valuable book *Mesbah al-Motehajjed wa Selah al-Moteabbed* is one of the most famous Shiite hadith heritages on prayer, the author of which is Sheikh Tusi, one of the prominent hadith scholars in the fourth and fifth centuries. This book is one of the oldest types of prayer writing that has reached us and has a special place in history. According to the available evidence, after Sheikh Tusi, many hadith scholars have considered and referred to this book as one of the sources of hadith. The main purpose and focus of this research is to investigate the degree of validity of the narrations of the book *Mesbah al-Motehajjed*. The study is based on the reliability of transmitters, according to which the result of the research is the weakness of the narrations due to being *Moghouf* (going back to the companions of the infallibles), *Marfou* (including the omission of some of the transmitters from the beginning of the chain of transmission), *Mursal* (lacking the chain of transmission) as well as including weak, unknown and unconfirmed transmitters.

Keywords: Mesbah al-Motehajjed, Sheikh Tusi, Validity Investigation, Reliability of Transmitters.

1. This article is taken from: Rahin Takfalah, "Mesbah al-Motehajjed wa Selah al-Moteabbed: Method, Content Analysis, Study of validity and effects", 2020, PhD Thesis, Supervisor: Seyyed Mohammad Baqer Hojjati, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

* PhD Student in Quran and Hadith Sciences, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, rahintf@gmail.com.

** Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author), hojjati@tpf-iau.ir.

*** Associate Professor, Department of Quran and Hadith, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, Toosi217@gmail.com.

اعتبارسنجی روایات کتاب مصباح‌المتهدج و سلاح‌المتعبد^۱

راهین تک‌فلاح*

سید محمدباقر حجتی**

مهدی مهریزی طرقی***

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۱۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۱۰]

چکیده

ادعیه مأثوره بخش مهمی از احادیث شیعه را در بر می‌گیرد. تدوین این‌گونه از مأثورات از همان دوره‌های نخستین محل توجه محدثان بوده است. کتاب جامع و ارزشمند مصباح‌المتهدج و سلاح‌المتعبد از مشهورترین موارث حدیثی شیعه در باب ادعیه است که مؤلف آن، شیخ طوسی، از محدثان برجسته قرن چهارم و پنجم است. این کتاب از قدیمی‌ترین گونه نگارشی ادعیه است که به دست ما رسیده و از لحاظ تاریخی جایگاه خاصی دارد. بر اساس شواهد موجود، پس از شیخ طوسی، بسیاری از محدثان به این کتاب به عنوان یکی از منابع و مصادر حدیثی توجه داشته و به آن استناد داده‌اند. هدف اصلی و محور این پژوهش بررسی میزان درجه اعتبار روایات کتاب مصباح‌المتهدج است. بررسی بر اساس مختار نگارندگان بر مشرب و ثوق سندی بوده و نتیجه این پژوهش، ضعف سندی رجالی روایات این کتاب به دلیل موقوف، مرفوع یا مرسل بودن اسناد و وجود راویان ضعیف، مجهول و مهمل است.

کلیدواژه‌ها: مصباح‌المتهدج، شیخ طوسی، اعتبارسنجی، و ثوق سندی.

۱. برگرفته از: راهین تک‌فلاح، مصباح‌المتهدج و سلاح‌المتعبد: منهج، تحلیل محتوا، اعتبارسنجی و تأثیرگذاری، رساله دکتری، سید محمدباقر حجتی، دانشکده حقوق، الاهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، ۱۳۹۸.

* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الاهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، rahintf@gmail.com

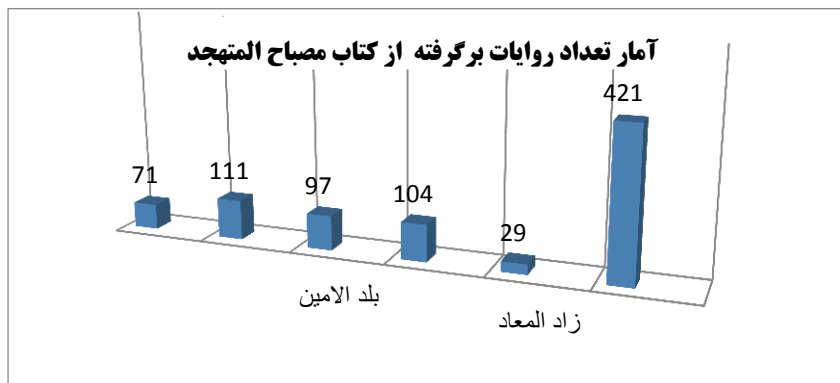
** استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الاهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) hojati@tpf-iaui.ir

*** دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الاهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، Toosi217@gmail.com

درآمد

اهمیت دعا و نقش سازنده آن در شکل‌گیری و هدایت انسان همواره محل توجه دانشمندان و علمای حدیثی بوده و در این زمینه کتاب‌های ارزشمندی نگاشته‌اند. شکل‌گیری کتب دعایی به قرن اول باز می‌گردد. پیش از شیخ طوسی آثار فراوانی در گردآوری ادعیه در میان جامعه فرهنگی شیعه تألیف شده که شیخ طوسی در تدوین کتاب *مصباح المتهجد* بدانها دسترسی داشته و به مرور زمان از بین رفته است. کتاب وی تبلوری از منابع پیشین، خصوصاً اصول و مصنفات اولیه حدیثی، است. علاوه بر آن، وی در نگارش کتاب‌های حدیثی، از کتاب‌خانه‌های بغداد هم استفاده کرده است (معارف، ۱۳۹۵: ۳۸۸). در معرفی آثار متقدم می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد: در قرن اول کتاب *الدعاء* اثر معاویه بن عمار الدهنی (متوفای ۱۷۵ ه.ق.)، در قرن دوم کتاب *الدعاء* اثر علی بن حسن بن فضال (متوفای ۲۶۵ ه.ق.)، در قرن سوم کتاب *الدعاء* اثر ابوالقاسم سعد بن عبدالله اشعری (متوفای ۳۰۱ ه.ق.) و در قرن چهارم کتاب *عمل* اثر رجب احمد بن محمد بن عیاشی جوهری (متوفای ۴۰۱ ق) (خانی، ۱۳۸۶: ۴۶-۱۵۵).

از دوران شیخ طوسی به بعد کار در خور ذکری در عرصه جمع و تدوین روایت در شیعه ملاحظه نمی‌شود. گویی شیخ طوسی گام آخر را برداشته است (معارف، ۱۳۹۵: ۴۰۰). لذا کتاب *مصباح المتهجد* پس از درگذشت شیخ طوسی منسوخ نشد و این کتاب یکی از کتب جامع دعایی معتبری است که بسیاری از ادعیه مشهور از قبیل زیارت عاشورا، دعای عرفه، و زیارت جامعه کبیره برگرفته از آن است. اگرچه به عنوان کتاب دعایی در دسترسی برای مراجعه مردم به شمار می‌رفت، اما به تدریج توجه علما و دانشمندان را هم جلب کرد. شاخص‌ترین این افراد سید بن طاووس در قرن هشتم، کفعمی در قرن نهم و شیخ عباس قمی در عصر حاضرند که در تألیفاتشان بیشترین استناد را به *مصباح المتهجد* داشته‌اند. همچنین، مؤلف کتاب *بحار الانوار* نیز از این کتاب روایاتی نقل کرده است.



شیوه استناد سید بن طاووس به کتاب مصباح المتهجد و بهره‌گیری از آن چند گونه است. وی در کتاب اقبال الاعمال با تعبیری از قبیل «وجدت فی المصباح» (ابن طاووس، ۱۴۰۹: ۱۰۰)، «من خط جدی ابی جعفر الطوسی» (همان: ۳۶)، «روینا ذلک عن جماعة من الاعیان احدهم جدی الطوسی یذکره فی کتاب مصباح» (همان: ۱۵۴)، «عن جدی الشیخ الطوسی» (همان: ۶۶۹) و در کتاب جمال الاسبوع با تعبیری همچون «فی المصباح باسناده الذی حذفه او اختصاره» (همو، ۱۳۳۰: ۱۳۵)، «فی المصباح» (همان: ۱۴۴)، «روایات التي اختارها جدی»،^۱ «باسنادی الی جدی» (همان: ۴۲۷)، «حدثنی جدی فی مصباحه الكبير» (همان) از کتاب مصباح المتهجد بهره گرفته است. وی کتاب اقبال الاعمال را طبق روش شیخ طوسی، یعنی از ماه رمضان تا ماه شعبان، گرد آورده است. ترتیب و فهرست‌بندی هر دو کتاب متأثر از کتاب مصباح المتهجد است. وی به نسخه خطی کتاب دسترسی داشته است.

عاملی کفعمی در بلد الامین نیز بر منهج شیخ طوسی رفته و مبنای خود را اختصار قرار داده و گاه ادعیه را نیز به صورت خلاصه آورده (عاملی کفعمی، ۱۴۱۸: ۴۸) و بعضاً صراحتاً به مصباح المتهجد اشاره کرده است (همان: ۲۱۸). بر اساس مقابله‌ای که میان این کتاب و مصباح المتهجد صورت گرفت عیناً از کتاب مصباح المتهجد، بدون ذکر منبع، نقل کرده است (همان: ۱۹۲). وی نیز در تألیف بلد الامین در فهرست‌بندی و چینش مطالب به روش مصباح المتهجد عمل کرده است.

شیخ عباس قمی نیز در مفاتیح الجنان با عباراتی همچون «شیخ فرموده»، «شیخ

روایت کرده» (قمی، ۱۳۷۷: ۳۱)، «شیخ در مصباح آورده» (همان: ۴۴۲) گاهی عیناً عبارت «مستحب است» را به نقل از شیخ طوسی آورده است (همان: ۵۳۵). گاهی هم بدون ذکر هیچ منبعی از ادعیه کتاب مصباح المتهجد نقل کرده، که بر اساس مقابله‌ای که میان دو کتاب صورت گرفت عیناً از کتاب مصباح المتهجد است (همان: ۳۴۱).

شیخ عباس قمی نیز به تأسی از کتاب مصباح المتهجد، ترتیب و فهرست‌بندی کتاب را بر اساس آن چیده است. وی در *مفاتیح الجنان* می‌گوید: «زیارت وارث که مأخذش از مصباح المتهجد است و از کتب معتبره و معروفه نزد علما است را بلاواسطه از همان کتاب شریف نقل کردم» (همان: ۷۰۸).

مجلسی در *بحار الانوار* نیز با عباراتی از قبیل «روی الشيخ الطوسی بسند معتبر، موافق لما فی مصباح الشيخ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۸۷/۸۲)، «بروایة الشيخ» (همان: ۱۰۰/۹۸)، «بما ذکره الشيخ فی مصباحه» (همان: ۳۰۲/۴۸)، «روی الشيخ فی المصباح المتهجد» (همان: ۳۹۵/۳۰) و «قال الشيخ الطوسی» (همان: ۲۱۱/۸۳) نقل حدیث می‌کند که عیناً آن مطلبی است که شیخ طوسی در مصباح المتهجد آورده است. در *زاد المعاد* با عباراتی از قبیل «روی الشيخ الطوسی بسند معتبر» (مجلسی، ۱۴۲۳: ۱۷)، «بما ذکر الشيخ فی المصباح» (همان: ۳۲۲) ادعیه و روایاتی را از کتاب مصباح المتهجد ذکر کرده است.

سایر کتب حدیثی نظیر *مستدرک الوسائل* (نوری، ۱۴۰۸: ۵۳۸/۷)، *وسائل الشیعة* (حر عاملی، ۱۴۱۶: ۶۹/۸)، *مفتاح الفلاح* (بهایی، ۱۴۱۱: ۳۲۲) و *مصباح کفعمی* (کفعمی، ۱۴۱۴: ۱۳۳) نیز از کتاب مصباح المتهجد، به عنوان یکی از مصادر و منابع، نقل کرده‌اند.

پیشینه تحقیق

پژوهش‌هایی که به کتاب مصباح المتهجد پرداخته‌اند عبارت‌اند از:

۱. پایان‌نامه ارشد با عنوان «بررسی صدور و تحلیل مضامین ادعیه شعبان بر اساس مصباح المتهجد شیخ طوسی» اثر ملیحه فردحسینی با راهنمایی محمدعلی مهدوی‌راد
۲. «بررسی صدور ادعیه ماه رمضان بر اساس مصباح المتهجد»، اثر مهدی مهریزی و مریم ایمانی‌جو، در: *سغینه*، ش ۳۷، ص ۲۱-۴۶، ۱۳۹۱.
۳. «گزارشی از تحلیل مضامین ادعیه ماه رجب بر اساس مصباح المتهجد»، اثر زهرا

حاجی حسنی، و مهدی مهریزی، در: علوم حدیث، ش ۶۴، ص ۱۶۰-۱۸۰، ۱۳۹۱. در پژوهش اول، به بررسی ادعیه ماه شعبان اکتفا شده و هدف از آن بررسی صدور ادعیه با منهج وثوق صدوری بوده است. نگارنده پایان‌نامه به منظور اعتباربخشیدن به ادعیه ماه شعبان، علاوه بر کتاب مصباح‌المتهجد، در مصادر معتبر شیعی جست‌وجو کرده و کوشیده است بر اساس قرائنی، از جمله کثرت نقل، متن محکم و متینی که مغایر با قرآن و احادیث و سیره معصومان (علیهم‌السلام) نباشد، ضعف اسناد مرسل را مرتفع کند. پژوهش دوم نیز بر اساس منهج پژوهش نخست، ابتدا اسناد را بررسی کرده و به بررسی ادعیه ماه رمضان بسنده کرده است. پژوهش سوم نیز به تحلیل مضامین پرداخته و به بخش بررسی سندی ورود نکرده است.

تفاوت این پژوهش با پژوهش‌های مذکور، بررسی کلیه ادعیه و تتبع تام در اسناد کتاب مصباح‌المتهجد است. این پژوهش راه دست‌یابی به اعتبار روایت را بر اساس منهج وثوق سندی، سند قرار داده و کلیه اسناد کتاب مصباح‌المتهجد را استخراج و شماره‌گذاری کرده و پس از بررسی اتصال یا عدم اتصال اسناد و بررسی کلیه راویان در اسناد روایات، آنها را بررسی نهایی و اعتبارسنجی کرده است. لذا با توجه به اینکه تتبع تامی در بررسی سندی این کتاب با منهج و سبک وثوق سندی صورت نگرفته، تمرکز بر اسناد این اثر به منظور اعتبارسنجی یکی از کتب مهم دعایی شیعه ضروری می‌نماید.

۱. معرفی شخصیت و انگیزه شیخ طوسی و کتاب مصباح‌المتهجد

پیش از ورود به بحث، در آغاز به معرفی شیخ طوسی و کتاب مصباح‌المتهجد و انگیزه وی از تألیف آن می‌پردازیم.

۱.۱. معرفی شیخ طوسی

ابوجعفر احمد بن محمد بن طوسی، معروف به «شیخ‌الطائفه»، در رمضان ۳۸۵ ه.ق. در خراسان متولد شد (حلی، ۱۴۱۷: ۳۰۶). وی از حوزه درسی شیخ مفید و سید مرتضی استفاده کرد و ابن‌غضائری و نجاشی را نیز درک کرد و در حوزه علوم تا بدانجا رسید که خلیفه وقت، کرسی کلام را به وی محول کرد (ابن‌جوئی، ۱۴۲۲: ۲۲/۱۴؛ آقابزرگ طهرانی، بی‌تا: ۷). شیخ طوسی با دسترسی وسیعی که به استادان مشهور شیعی داشت و همچنین

با دسترسی به کتابخانه بزرگ بغداد که از غنی‌ترین کتابخانه‌ها بود (حموی بغدادی، ۱۳۹۷: ۳۴۲/۲) این کتاب غنی را در حوزه ادعیه نگاشت (حلی، ۱۴۱۷: ۱۴۸). شاگردان وی بیش از سیصد تن هستند.^۲ تعداد استادان شیخ طوسی، علاوه بر شیخ مفید و سید مرتضی، به ۲۹ نفر می‌رسد.^۳ نجاشی در کتاب رجالش درباره شیخ الطائفة می‌گوید: «از علمای امامیه و ثقه و از شخصیت‌های سرشناس زمان ما است. او از شاگردان استاد ما ابو عبدالله بوده و آثاری چند تألیف کرده است» (النجاشی، ۱۴۰۷: ۴۰۳). بحرالعلوم در معرفی وی می‌نویسد: «شیخ الطائفة المحققة و رافع اعلام الشريعة الحقة؛ امام الفرقة بعد الائمة المعصومين (علیه السلام) عماد الشيعة الامامية في كل ما يتعلق بالمذهب والدين؛ محقق الاصول والفروع و مهذب المعقول والمسموع؛ شیخ الطائفة على الاطلاق» (بحرالعلوم، بی‌تا: ۲۲۷/۳). بر اساس گزارش برخی از محققان عصر حاضر تعداد تألیفات شیخ طوسی به ۵۳ می‌رسد (استادی، ۱۳۶۲: ۹۸-۱۰۳).

۱. ۲. انگیزه تألیف کتاب مصباح المتهجد

شیخ طوسی هدف از نگارش این کتاب را جدای از عمل، ذکر ادعیه‌ای بیان می‌کند که آنها را در کتب فقهی نیاورده است. وی در ادامه می‌گوید:

این کتاب تألیفی برای هر طائفه و مسلکی است که بدان اعتماد، و به سوی آن رجوع کرده و مطلوب خود را از آن طلب می‌کنند و از من خواستند به‌اختصار کتابی تألیف کنم که برای مبتدی، فقیه و متوسط، هر کدام به نحوی، قابل استفاده باشد؛ و من با استعانت از خدا و توکل بر او آن را مستجاب می‌کنم. در این کتاب فصلی را که متضمن ذکر عبادات و کیفیت اقسام آن و بیان هر آنچه تکرار می‌طلبد و هر آنچه تکرار نمی‌طلبد، هر آنچه متوقف بر بیان شرط است و هر آنچه متوقف بر بیان شرط نیست ذکر کرده‌ام تا غرض از تألیف این کتاب را بدانند (طوسی، ۱۴۱۱: ۲۰/۱).

۱. ۳. کتاب مصباح المتهجد در یک نگاه

کتاب مصباح المتهجد مشتمل بر ابوابی است که با بیان احکام طهارت آغاز شده و سپس فصلی با عنوان «کتاب الصلاة»، مشتمل بر احکام نماز، اعمال و نماز روزهای

هفته، تعقیبات نمازها، دعای روزهای هفته و ساعات، در آن گنجانده شده است. آنگاه اعمال ماه‌ها را بیان کرده که از ماه رمضان آغاز شده است. در پایان، فصلی را به بیان احکام زکات اختصاص داده است (همان: ۶۰۰، ۵۹۵). همچنین، چون این کتاب با استقبال بسیار مواجه شده، عده کثیری به تلخیص، ترجمه، شرح و چاپ آن دست زده‌اند.^۴

۲. اعتبارسنجی

اعتبارسنجی، سنجش احادیث و کتب حدیثی از نظر اعتبار است و اینکه این کتاب و روایاتش از چه مقدار اعتبار برخوردار است. لازم است برای یافتن قاعده کلی، معیارهای نقد حدیث بررسی شود تا توان لازم برای نقد هر روایتی حاصل گردد. از این رو ملاک‌های اعتبارسنجی «منابع، اسناد و راویان» کتاب بررسی می‌شود (مسعودی، ۱۳۸۹: ۲۱۷). در این مقاله به بررسی منابع، اسناد و روایت خواهیم پرداخت.

۲.۱. بررسی منابع

بررسی منابع به منظور جست‌وجوی روایت در کتب معتبر حدیثی است که در صورت وجود آن در کتب معتبر بر ارزش آن می‌افزاید. محدثان گاه در ذکر حدیث به منبع آن نیز اشاره می‌کنند. متأسفانه باید گفت شیخ طوسی در مقدمه کتاب اشاره‌ای به منابع نداشته و چون اسناد را حذف کرده و در هیچ جایی از اسناد، جز در یک جا که نام کتاب *کامل الزیارات* ابن قولویه را ذکر کرده، اشاره‌ای به منابع نکرده است، راه دسترسی ما به منابع را محدود کرده و بررسی کتاب از حیث منبع‌شناسی منتفی است. البته در انتساب این کتاب به شیخ طوسی اختلافی نیست و همگان به اتفاق این کتاب را به شیخ طوسی منتسب می‌دانند (طوسی، ۱۴۲۰: ۴۵۰؛ خویی، بی‌تا: ۲۴۴/۱۵).

۲.۲. بررسی اسناد کتاب *مصباح المتعجد*

۲.۲.۱. دسته‌بندی سندی ادعیه کتاب *مصباح المتعجد*

با نگاهی به کتاب *مصباح المتعجد* درخواستیم یافت که ادعیه موجود در این کتاب را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: الف. ادعیه‌ای که بدون سند آورده شده و محل بحث ما نیست، از جمله «عوذة يوم الأحد من عوذ أبي جعفر الثاني عليه السلام بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اسْتَوَى الرَّبُّ عَلَى الْعَرْشِ وَ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ بِحُكْمَتِهِ» (طوسی، ۱۴۱۱: ۲/۴۴۹)؛ ب. ادعیه‌ای که با لفظ «یستحب» آغاز می‌شوند. این ادعیه روایت نیستند و به نظر می‌رسد برداشت‌ها و استنباط‌های شیخ طوسی از روایت است که وی سند و دلیلش را نیاورده است، از جمله «و یستحب أن یقول فی السجدة بین الأذان والإقامة، اللَّهُمَّ اجْعَلْ قَلْبِي بَارًا وَ رِزْقِي دَارًا وَ اجْعَلْ لِي عِنْدَ قَبْرِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مُسْتَقْرًا وَ قَرَارًا» (همان: ۳۰)؛ ج. روایاتی که به عنوان حدیث مرسل یا متصل آورده شده و تعدادش به ۳۴۳ روایت می‌رسد.^۵ تمرکز این پژوهش بر همین روایات است.

۲.۲.۲. دیدگاه‌های موجود درباره ارزیابی سند

در ارزیابی اسناد چند دیدگاه وجود دارد:

دیدگاه اول: اخباریان؛ قائلان به این دیدگاه به صحت تمام اخبار کتب اربعه معتقدند و درباره همه اخباری که از کتب معتبر نقل شده بحث‌های مفصلی کرده‌اند، تا جایی که شیخ یوسف بحرانی به شش وجه بر این مطلب استدلال کرده است. قائلان به این دیدگاه معتقدند این اخبار محفوف به قرائنی است که وثوق به صدور آن از معصوم را افاده می‌کند و محدثان متقدم به دلیل نزدیک بودن به عصر ائمه (علیهم‌السلام) و کثرت قرائن، تحصیل به صدور احادیث از ایشان برایشان ساده بود (معارف، ۱۳۹۵: ۴۲۸) و فیض کاشانی نیز بر این روش رفته است (فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۱۵/۱؛ بحرانی، ۱۴۰۵: ۱۵/۱ و ۲۴).

دیدگاه دوم: تسامح در ادله سنن؛ یعنی پژوهشگر در بررسی مدارک روایاتی که حکایتگر آداب و کارهای مستحبی است آسان بگیرد (میرحسینی، ۱۳۹۶: ۳۶۴). طبق قاعده «تسامح در ادله سنن»، در سند ادعیه نمی‌توان سخت‌گیری کرد. سخت‌گیری‌های رایج در فقه شیعه درباره اخبار و احادیثی است که در مسیر استنباط احکام الزامی قرار گیرد. اما در مسائل مستحبی، به‌ویژه دعاها و زیارات، آن موشکافی‌های سندی معمول نیست. همین مقدار که مشایخ پذیرفته باشند و در کتب معتبر و مشهور نقل شود و محتوایش بلند باشد، کافی است (ربیع نتاج و اکبری، ۱۳۹۱: ۱۰۳). البته در منابع فقهی متقدم از قاعده تسامح یاد نشده و ظاهراً مکی عاملی (مکی العاملی الجزینی، بی‌تا: ۳۴/۲) و ابن‌فهد حلی (حلی، ۱۴۱۰: ۱۳/۱) نخستین فقهایایی هستند که بدان اشاره کرده‌اند. از قرن دهم به بعد اصطلاح «قاعده تسامح در ادله سنن» شکل گرفت و شماری از فقها، از جمله بهایی در

الاربعون حدیثاً (بهای، بی‌تا: ۳۸۵/۱، ۳۹۲)، سید محمود طباطبایی در مفاتیح الاصول (طباطبایی، بی‌تا: ۳۴۵/۱، ۳۵۱)، بحرانی در حدائق الناضرة (بحرانی، ۱۴۰۵: ۱۹۸/۴، ۲۰۳)، نراقی در عوائد الایام (نراقی، بی‌تا: ۷۹۳/۱، ۷۹۸) و انصاری در رسائل الفقہیة (انصاری، ۱۴۱۴: ۳۸۳/۱، ۳۸۵) بدان پرداخته‌اند.

دیدگاه سوم: وثوق صدوری؛ قائلان به این دیدگاه، روایاتی را حجت می‌دانند که با قرائنی صدورش از معصوم محرز شود. اگر از صادرشدن روایت یا حدیثی از معصوم اطمینان حاصل شود می‌گویند به آن حدیث وثوق صدوری حاصل شده و این اطمینان می‌تواند از راه سند حدیث (به طور جداگانه) یا قرائن دیگر حاصل شود (جزائری، ۱۴۱۶: ۳۶۳/۴). از جمله کسانی که قرائن را بیان کرده‌اند عبارت‌اند از: نجفی در جواهر الکلام (نجفی، بی‌تا: ۹۶/۱۶)، موسوی خمینی در کتاب البیع (موسوی خمینی، بی‌تا: ۴۶۸/۲)، عراقی در نهایت الافکار (عراقی، بی‌تا: ۲۰۵/۴)، انصاری در الرسائل الفقہیة (انصاری، ۱۴۱۴: ۱۵۸/۱)، بهایی در مشرق الشمسین (بهای، بی‌تا: ۷۹)، همدانی در مصباح الفقہ (همدانی، بی‌تا: ۱۵۸/۲).

دیدگاه چهارم: وثوق سندی یا وثاقت راوی؛ این گروه تنها راه دستیابی به اعتبار روایت را سند آن می‌دانند و معتقدند از راه غیرسند نمی‌توان به اعتبار سند پی برد (ربانی بیرجندی، ۱۳۷۸: ۱۴۹). برخی از فقیهانی که «وثوق سندی» را معتبر می‌دانند از این قرارند: سید محمد موسوی عاملی (موسوی عاملی، ۱۴۱۰: ۲۶۸/۳)، حسن عاملی (عاملی، ۱۳۶۲: ۱۱۷۷/۲)، و شهید ثانی (العالمی، ۱۳۸۱: ۷۴). پیروان وثوق سندی به طور مطلق مرسلات را معتبر نمی‌دانند و این دسته از روایات را ضعیف به شمار می‌آورند (موسوی عاملی، ۱۴۱۰: ۹۳/۲). این گروه در تقسیم‌بندی احادیث و نیز اصطلاحات جدید حدیثی با یکدیگر اختلاف دارند (بهم‌پوری و موحدی، ۱۳۸۸: ۱۱).

۲.۲.۳. منهج مختار پژوهش

در این پژوهش کتاب مصباح‌المتہجد را بر اساس دیدگاه گروه چهارم (وثوق سندی) اعتبارسنجی کرده‌ایم. بدین ترتیب که ابتدا سند ۳۴۳ حدیث واردشده در کتاب مصباح‌المتہجد را، از نظر اتصال یا عدم اتصال اسناد روایات، بررسی کرده‌ایم. اگر در حدیثی تمام سلسله سند از شیخ طوسی تا امام معصوم ذکر شده باشد به آن سند کامل و متصل می‌گوییم؛ در غیر اتصال سند، روایت مرسل خواهد بود.^۶ احادیث مرسل در

خور اعتنا نیستند و در شمار روایات ضعیف قرار می‌گیرند. لذا از این جهت محل اشکال‌اند و از دایره احادیث صحیح خارج می‌شوند.^۷

۲.۲.۴. نتیجه ارزیابی اسناد کتاب مصباح المتجهد

بر اساس بررسی و ارزیابی اسناد و نکات ذکر شده در ابتدای بحث بررسی اسناد احادیث مصباح المتجهد و بر اساس شماره‌گذاری نگارندگان این مقاله برای احادیث کتاب، احادیث شماره ۱۶۱، ۱۶۴، ۲۲۸، ۲۵۸، ۲۶۱، ۲۶۳، ۲۷۳ و ۲۹۳ سند متصل دارند (طوسی، ۱۴۱۱: ۴۹۹/۲، ۵۲۳، ۷۱۷، ۷۵۲، ۷۵۹، ۷۶۴، ۷۸۸، ۸۰۷). به جز احادیثی که در شمار حدیث متصل آورده‌ایم، سایر احادیث (۳۳۵ روایت) مرسل‌اند.^۸

۲.۳. بررسی احوال راویان مصباح المتجهد

یکی از راه‌های اعتبارسنجی و دست‌یابی به میزان اعتبار هر روایت، بررسی احوال راویانی است که در سلسله سند واقع شده‌اند (شیری زنجانی، بی‌تا: ۷). خوبی در معجم رجال‌الحديث دلیل نیاز به علم رجال را این‌گونه بیان کرده است:

همانا هر خبری از معصوم حجت نیست. حجیت مخصوص خبر ثقه یا حسن است و ظاهر و آشکار است که تشخیص خبر جز با مراجعت به علم رجال و شناخت احوال راویان و تمیز ثقه و حسن از ضعیف نیست. عدالت راوی یا وثاقت آن نیز جز با مراجعت به علم رجال حاصل نمی‌آید (خویی، بی‌تا: ۲۱/۱).

از این‌رو در این بخش، با استفاده از علم رجال و با رجوع به کتب و منابع رجالی، به شناخت احوال راویان از جهت عدالت، وثاقت، ممدوح‌بودن، مهمل یا مجهول‌بودن به صورت تک‌تک در سند روایت پرداخته‌ایم.

۲.۳.۱. منهج پژوهش در ارزیابی راویان

ابتدا اسامی راویان مذکور در سند ۳۴۳ روایت، استخراج شد و سپس به جست‌وجوی جرح و تعدیل روات از طریق کتب رجالی پرداختیم.^۹ هر گاه نام راوی در کتب رجالی یافت نشده، تعبیر «مجهول» و هر گاه نام راوی بدون جرح و تعدیل ذکر شده، تعبیر «مهمل» به کار برده‌ایم.

۲.۳.۲. نتیجه ارزیابی روایان

پس از حذف مکررات، تعداد روایان به ۱۹۷ نفر رسید که حاصل این جرح و تعدیل به شرح ذیل است:

۹۷ نفر: ثقه؛ ۶ نفر: ممدوح؛ ۴۵ نفر: مهمل؛ ۳۷ نفر: مجهول؛ و ۱۲ نفر ضعیف.

۲.۴. بررسی روایات غیرمتصل کتاب مصباح‌المتهجد

به نظر می‌رسد گزارشی از روایات غیرمتصل کتاب مصباح‌المتهجد (۳۳۵ روایت) پیش از جمع‌بندی و بیان ارزیابی سندی رجالی ضروری است.

۲.۴.۱. ارسال و تعلیق در اسناد روایات

در سند بسیاری از روایات، ارسال یا تعلیق، که از انواع حدیث منقطع است، به چشم می‌خورد و آمار در خور توجهی دارد. این‌گونه روایات ۹۹ درصد روایات کتاب را در بر گرفته و در معیار متأخران از اقسام روایات ضعیف است. اما در عرف متقدمان وثوق به صدور روایت از معصوم، در صحت آن روایت کافی است (موسوی‌غریفی، بی‌تا: ۱۰ و ۱۹). روایات مرسل در کتاب مصباح‌المتهجد بر دو گونه است:

الف. حذف تمام سند؛ برای نمونه مرسلاتی که به نحو «رَوَى» یا «فِي رِوَايَةٍ» یا «عنه» نقل می‌کند (طوسی، ۱۴۱۱: ۳۶/۱)؛ و نیز مرسلاتی که به نحو جزم و یقین با لفظ «قال» به معصوم اسناد می‌دهد (همان: ۲۵۲/۲).

ب. حذف برخی از سند که صور مختلفی دارد:

۱. ذکر آخرین راوی: در این روش علاوه بر انتساب حدیث به معصوم، آخرین راوی متصل به آن حضرت نیز ذکر می‌شود، اما ذکر از سلسله روایان قبل از آن نیست، مثلاً «وَرَوَى زَيْدُ الشَّحَّامُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام)» (همان: ۷۷۲/۲).

۲. ذکر دو یا سه راوی: در این روش شیخ طوسی، علاوه بر ذکر نام راوی ناقل از معصوم، نام راوی دوم یا سوم را نیز ذکر می‌کند. مثلاً «رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ سُلَيْمَانَ الدِّيَلَمِيَّ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام)» (همان: ۷۵۲/۲).

۳. حذف اوایل سند و اکتفا به ذکر بقیه آن: در این روش چند تن از روایان ابتدای سلسله سند را حذف، و بقیه را ذکر می‌کند. مثلاً «رَوَى مُوسَى بْنُ الْقَاسِمِ الْجَبَلِيُّ عَنْ

صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى وَ مُحَمَّدَ بْنِ سَهْلٍ عَنْ أَشْيَاحِهِمَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) (همان: ۵۳۰/۲). در این روش قاعده خاصی دیده نمی‌شود، زیرا گاه یک تن و گاه بیش از ۲ تن از آن حذف می‌شود.

۲. ۴. ۲. رفع در سند پاره‌ای از روایات

مرفوع یکی از انواع حدیث منقطع است. روایت مرفوع روایتی است که از وسط، یا آخر سند آن یک راوی یا بیشتر افتاده باشد و به لفظ «رفع» تصریح شده باشد. حدیث مرفوع به دلیل افتادگی در سند، ضعیف محسوب می‌شود (مامقانی، ۱۴۱۱: ۲۰۷/۱ و ۲۰۸). تصریح به رفع در سند دو روایت از روایات مصباح المتهجد دیده می‌شود (طوسی، ۱۴۱۱: ۵۳۵/۲ و ۷۳۱).

۲. ۴. ۳. انقطاع به معنای خاص در سند پاره‌ای از روایات

در چهار موضع از سند روایات مصباح المتهجد تعبیر «عن بعض اصحابه یا عن بعض اصحابنا» به کار رفته است. تعبیری از این دست دلیلی بر انقطاع در سند روایت است، مثلاً «رَوَى إِسْحَاقُ بْنُ عَمَّارٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) أَنَّهُ قَالَ: ...» (طوسی، ۱۴۱۱: ۵۱۸/۲).

۲. ۴. ۴. وجود سند به صورت معنعن

سند بسیاری از روایات مصباح المتهجد به صورت معنعن است. یعنی حلقه‌های سند با لفظ «عن» به یکدیگر مربوط شده‌اند، مثلاً «رَوَى عَمْرُو بْنُ ثَابِتٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنِ الْبَاقِرِ (عليه السلام)» (همان). در این‌گونه اسناد وجه تحمل واسطه‌های سند معمولاً پوشیده می‌ماند. از نظر دانشمندان، نوع تحمل حدیث میزانی در ارزش‌گذاری آن حدیث به شمار می‌رود و کتمان عمدی وجه تحمل، نوعی تدلیس است که علمای بصیر همواره از آن پرهیز داشته‌اند. البته نسبت به شیخ طوسی که همگان وی را به وثاقت و اعتماد خوانده‌اند، نقل روایت به صورت معنعن جز اختصار، تفسیر دیگری ندارد.

در اسناد شیخ طوسی در به‌کارگیری الفاظ روند یکسان و مشترک دیده نمی‌شود؛

«روی عن»، «قال رسول الله» (طوسی، ۱۴۱۱: ۲۵۲/۱)، «کان ابو جعفر (علیه السلام)» (همان: ۷۵۲/۲)، «اخبرنا جماعة عن فلان» و سپس در ادامه «حدثني فلان قال حدثنا فلان» (همان)، «بدعاء علی بن الحسین» (همان: ۲۵۷/۱) برخی از این عبارات است. بنابراین، یک‌دستی در سند روایات دیده نمی‌شود.

۲. ۴. ۵. مشترکات در اسناد پاره ای از روایات

در دو سند از اسناد روایات مصباح المتعجل، مشترکات وجود داشت که تمیز آنها به راحتی ممکن نبود، از جمله محمد بن مروان (طوسی، ۱۴۱۱: ۸۳۷/۲) و علی بن محمد (همان: ۵۳۵/۲). خویی درباره علی بن محمد آورده است که منظور از «علی بن محمد»، علی بن محمد بندار است. درباره محمد بن مروان نیز از حیث اینکه بر هر سه مشترکات هیچ جرح و تعدیلی وارد نشده بود، لذا شناخت و تمیز آن تفاوتی در جرح و تعدیل راوی نداشت.

۲. ۴. ۶. کاربرد تعبیر «عدة من اصحابنا یا جماعة من اصحابنا»

مراد از «عدة» در عبارت «عدة من اصحابنا»، عده‌ای از مشایخ شیخ طوسی است که وی از باب اختصار یا به روش متقدمان در حدیث، از جمله کلینی، از درج نام آنها خودداری کرده است (همان: ۳۹۹/۲). مراد شیخ طوسی از «جماعة» افرادی مانند شیخ مفید، حسین بن عبیدالله غضائری، جعفر بن حسن بن حسکه، و محمد بن سلیمان حمرانی (حمدانی) است (علی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۱۹، ۲۰). درباره جعفر بن حسن بن حسکه در معجم رجالی خویی فقط آمده است که شیخ طوسی از وی روایت کرده (خویی، بی‌تا: ۶۰/۴) و نام وی در کتب رجالی متقدم نیامده است. درباره محمد بن سلیمان الحمرانی نیز هیچ جرح و تعدیلی در کتب رجالی متقدم نیامده، جز در کتاب رجالی خویی که فقط ذکر کرده است که وی از مشایخ شیخ طوسی است (همان: ۱۳۳/۱۶). احتمالاً شیخ طوسی از ذکر آنها خودداری کرده است. زیرا ذکر اسامی آنها نزد شیخ طوسی دخلی در صحت یا سقم روایت نداشته است.

۲. ۴. ۷. وجود روایات موقوف در سند پاره‌ای از روایات

از جمله مسائلی که در روایات مصباح المتهجد باعث ضعف روایت شده، متصل نبودن سند به معصوم است. ۱۵ روایت از روایات مصباح المتهجد موقوف است و سندش به معصوم منتهی نمی‌شود. لذا از روایات ضعیف به شمار می‌آید. مثلاً «يَدْعُو فَيَقُولُ مَا رَوَاهُ ابْنُ عَمَّارٍ، بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» (طوسی، ۱۴۱۱: ۱۱۱/۱).

۲. ۴. ۸. وجود احادیث مرفوع قولی و فعلی در روایات

حدیث مرفوع از جهت گوینده اصلی به معنای حدیثی است که در طی آن قول، فعل یا تقریری به معصوم نسبت داده شده است (عاملی، ۱۴۲۱: ۷۷)؛ و در مقابل حدیث موقوف است و به معصوم منتهی می‌شود. روایات در مصباح المتهجد بر اساس گوینده به چند شکل آمده است:

- راوی به نقل از معصوم روایت را ذکر می‌کند که به دو صورت آمده است: آنچه را خود مستقیماً شنیده و از دیگران شنیده است نقل می‌کند: «قال الصادق» و گاه آنچه را مستقیماً از معصوم شنیده است نقل می‌کند: «سمعت ابا عبد الله يدعو»؛ به این دسته از روایات مرفوع قولی نیز می‌گویند. مرفوع قولی روایتی است که سخن معصوم را گزارش می‌دهد.

- صورت دیگر اینکه در واقع فعل یا قول راوی را نقل می‌کند که این روایات به دلیل صادرنشدن از معصوم موقوف است و در خور اعتنا نیست: «صرف صفوان وجهه الی ناحية ابا عبد الله عليه السلام و قال لنا تزورون الحسين» (طوسی، ۱۴۱۱: ۷۷۷/۲).

- دسته دوم: راوی، فعل یا حالت امام را برای دیگران بیان می‌کند: «دخلت علی ابی جعفر فی یوم عاشورا فالتقیته کاسف اللون» (همان: ۷۸۲). به این دسته از روایات مرفوع فعلی نیز می‌گویند. مرفوع فعلی حدیثی است که عمل معصوم عليه السلام را گزارش می‌دهد (صالح، ۱۰۸۵: ۲۱۷).

در میان روایات ذکرشده در مصباح المتهجد، روایت مرفوع، به دو صورت مرفوع قولی و مرفوع فعلی آمده است. حکم به صحت یا ضعف این روایات نیز بر اساس سایر روایات به ضعیف، حسن، قوی و صحیح تقسیم می‌شود که مشخص کردن نوع حدیث بر اساس راویانی است که در سند قرار دارند.

۲.۵. ارزیابی سندی رجالی

روایات از حیث راویان به چهار دسته صحیح، موثق، قوی و حسن تقسیم می‌شود (مدیرشانه‌چی، ۱۳۷۸: ۶۷). بررسی حدیث از حیث راویان منوط به مسندبودن روایت است تا با بررسی کلیه راویان سلسله سند درباره روایت به قضاوت بنشینیم. چنانچه از نظر گذشت، از میان ۳۴۳ روایت کتاب، فقط ۸ روایت مسند یا متصل است که قابلیت کافی برای نقد رجالی (یعنی بررسی سوابق و میزان وثوق هر یک از رجال مندرج در آن سلسله سند) را دارد. مسندبودن حدیث به خودی خود به معنای معتبربودن نیست، بلکه بدان معنا است که امکان اجرای روش‌های نقد سندی درباره آن وجود دارد و نقدپذیر است. در بررسی صورت‌گرفته، این ۸ حدیث، به دلیل وجود راوی ضعیف یا مجهول یا مهمل در شمار روایات ضعیف قرار می‌گیرند و سایر احادیث (۳۳۵ حدیث) نیز علاوه بر اشکال ارسال، رفع یا موقوف‌بودن، به دلیل وجود راوی ضعیف، مجهول یا مهمل، ضعیف شمرده می‌شوند.

نتیجه

بر اساس مشرب و ثوق سندی، اسناد کتاب *مصباح‌المتهجد* از حیث ارسال، موقوف یا مرفوع‌بودن اسناد و وجود راویان ضعیف، مجهول و مهمل در سند روایات با ضعف جدی روبه‌رو است. از حیث ضعف سندی احتمالاتی وجود دارد:

می‌توان احتمال داد که شیوه و مشرب شیخ طوسی بر اساس وثوق صدوری بوده و هر آنچه وی از ادعیه در این کتاب گرد آورده در نظر وی از صحت صدور برخوردار بوده و بدانها اعتماد داشته است. از آنجایی که طبق مقدمه کتاب *مصباح‌المتهجد*، شیخ طوسی توجه ویژه به عمل و فعل داشته و به دنبال تهیه رساله‌ای عملی بوده است نه رساله‌ای علمی، لذا احتمالاً وی بر مبنای وثوق صدوری که نتیجه عملی دارد، اقدام کرده است، چنان‌که شیخ طوسی پس از وفات شیخ مفید تصمیم گرفته است مستقیماً به کتب پیشینیان مراجعه، و از این کتب روایات را استخراج کند. او بدین صورت واسطه بین خود و صاحبان کتاب را حذف کرده است (معارف، ۱۳۹۵: ۳۹۲).

احتمال دیگری که به نظر قوی‌تر می‌آید این است که شیخ طوسی به نقش سند در ارزش‌گذاری روایت واقف بوده اما چون بیشتر مخاطبان وی عموم طبقات بوده‌اند و

چنین گروهی برای دریافت ادعیه نیازی به سند روایات نداشتند، روایات را به صورت حذف اسانید یا مرسل درج کرده است. منهج شیخ طوسی بر اساس مقدمه وی در کتاب *مصباح المتهجد*، بر وجه اختصار و بدون تطویل و به سختی افتادن عبادت‌کنندگان بوده است. به نظر وی، اگر ادعیه به طول انجامد موجب کسالت و به سختی افتادن عبادت‌کنندگان خواهد شد. شیخ طوسی به جهت سهولت دست‌یابی عبادت‌کنندگان به ادعیه، روایات را به صورت مرسل و مختصر آورده است. به نظر می‌رسد هدف وی تألیف کتاب دعایی مختصر و کتابی در دسترس همگان بوده است. روند و شیوه شیخ طوسی، اختصار سند در روایات است که استاد شیخ طوسی، یعنی شیخ مفید، همچنان که خودش گفته، بنای خویش را بر اختصار سند گذاشته است (مفید، ۱۴۱۶: ۳) و شیخ طوسی نیز در کتاب خود از منهج *المزار* تألیف استادش، به تلخیص یا حذف اسناد روی آورده است. چنان‌که سید بن طاووس در کتاب *جمال الاسبوع* در باب نماز روز جمعه ذکر می‌کند: «و هذه الصلاة ذكرها جدی أبو جعفر الطوسی رضوان الله عليه في عمل يوم الجمعة في المصباح الكبير و لم يذكر إسناده على عادته في الاختصار أو لغير ذلك من الأعدار» (ابن طاووس، ۱۳۳۰: ۵۳۰ و ۸۲) راویان و ناقلان حدیث معمولاً برای حکایت و نقل حدیث از مروی عنه تعبیر «حدثنی» یا «اخبرنی فلان» را به کار می‌برده‌اند و گاه برای اختصار به تعبیر «عن فلان» با حذف فعل اکتفا شده است (مدیرشانه‌چی، ۱۳۷۸: ۴۶). شیخ طوسی در اکثر اسناد خود تعبیر «روی» یا «عن فلان» را به کار برده است. اگر حدیث در نزد محدث بر مبنای سماع باشد در مقام نقل می‌گوید «حدثنا» و اگر بر مبنای سماع و اجازه نباشد و بر مبنای کتابت باشد «ذکر فلان» و «وجدنا فی کتاب فلان» به کار می‌رود. اما زمانی که کیفیت تحمل روات حدیث برای محدث مشخص نباشد، سند حدیث را به صورت معنعن یا «نقل فلان عن فلان» می‌آورد (معارف، ۱۳۹۵: ۳۵). شیخ طوسی در اثر خویش تعبیر «عن فلان» یا «روی» را در نقل حدیث به کار برده است. در نتیجه کیفیت تحمل حدیث مشخص نیست، که این نقل روایت بدین‌گونه تفسیری جز اختصار سند ندارد (همان: ۳۶۳). گاهی تعبیر «حدثنی» یا «اخبرنا» را به کار برده که در این صورت کیفیت تحمل حدیث نزد وی از طریق استماع بوده است. شیخ عباس قمی در کتاب *مفاتیح الجنان* نیز به منهج شیخ طوسی بر اختصار اشاره می‌کند. وی به نقل از شیخ طوسی می‌گوید ما صلوات ابوالحسن ضرابی را آورده‌ایم و به جهت اختصار، سند را ذکر نکرده‌ایم (قمی، ۱۳۷۷: ۸۲).

مطلب دیگر اینکه برخی معتقدند سند و طریق از باب تیمن و تبرک بوده است. این نظریه را نخستین بار ملا محمدتقی مجلسی بیان کرده است. به نظر وی، طرق تحمل حدیث در نقل خبر به کتب غیرمتواتر و غیرمشهور اختصاص داشته است. بنابراین، نقل طرق در کتب متواتر نظیر کتب اربعه حدیثی، و کتب مشهور نزد ائمه ثلاثه (کلینی، صدوق و شیخ طوسی) موضوعیتی ندارد و ابداع شیخ صدوق در بازسازی شیخه صرفاً برای تیمن و تبرک بوده است (غلام‌علی، ۱۳۹۲: ۵۱). بروجردی نیز این نظریه را پذیرفته و معتقد است دلیل اینکه شیخ صدوق و شیخ طوسی شیخه را آورده‌اند آن است که به خواننده اعلام کنند که احادیث مسند است و مرسل نقل نشده است؛ زیرا انتساب کتاب‌ها به نویسندگان ثابت بوده و نیازی به بیان اسناد نبوده است (سبحانی، ۱۴۱۴: ۳۹۳). طبرسی در مقدمه *احتجاج می‌گوید*: «ما اسناد بیشتر اخباری را که در این کتاب نقل می‌کنیم نمی‌آوریم؛ زیرا یا بر آنها اجماع وجود دارد یا مضمون آنها با عقل موافق است یا در سیره و کتاب‌ها، میان موافق و مخالف مشهور است» (طبرسی، ۱۴۰۳: ۱۴/۱). قدا اعتبار و صحت حدیث را بر اساس قرائنی که بدان دسترسی داشته‌اند، می‌سنجیدند و مرادشان از صحت، ثبوت یا صدق خبر بود. لذا متأخران از سیره قدا عدول کرده و معیار جدیدی وضع کرده‌اند (غروی نائینی و جاویدانی، ۱۳۸۴: ۱۰۵)، اما حدیث نزد متأخران، از جمله ابن طاووس و علامه [حلی] (عاملی، ۱۳۶۲: ۱۵/۱، ۱۴) بر اساس سند حدیث اعتبارسنجی می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. بیشترین نقل احادیث سید بن طاووس از شیخ طوسی با این عبارت است.
۲. از جمله شاگردان شیخ طوسی الحسن بن الحسین بن بابویه القمی المشهور بحسکا، و الحسن بن المظفر بن علی الحمدانی او الهمدانی، الشیخ شهر آشوب المازندرانی السروی هستند (آقابزرگ طهرانی، بی‌تا: ۳۷-۳۹).
۳. شاخص‌ترین استادان شیخ طوسی عبارت‌اند از: احمد بن محمد بن الصلت الاهوازی، احمد بن ابراهیم القزوی، احمد بن حسین بن علی الحضرمی، البیع المعروف السکری، ابو عبدالله حسین بن عبیدالله بن ابراهیم الغضائری البغدادی.
۴. کارهای انجام‌شده درباره مصباح المتجهج بدین شرح است: خلاصه مصباح المتجهج؛ حلی کتاب مصباح

اعتبار سنجی روایات کتاب مصباح المتعهد و سلاح المتعبد / ۹۷

المتعهد را با نام *منهاج الصلاح فی مختصر المصباح* (کتاب‌خانه مجلس، ش ۱۲۳۶۲، کتابت در سال ۷۳۳؛ کتاب‌خانه آخوند، ش ۴۶۴۳؛ آستانه قم، ش ۳۹۰، فهرست مرعشی ش ۱۳۶۹) ضمن ده باب تلخیص کرده و باب یازدهمی را در علم کلام به آن افزوده که همان باب حادی عشر است که از لحاظ آموزشی در حوزه‌های دینی شهرت ویژه‌ای کسب کرده است (طباطبایی، ۱۴۱۶: ۱۹۸-۱۹۹)؛ ترجمه *مصباح المتعهد* اثر محمد بن حسین الاهی اردبیلی. وی این کتاب را برای خواجه نعیم الدین نعمه الله خواجه محمد علوی صفوی شهید ترجمه کرده است؛ شرح *مصباح المتعهد / ایضاح المصباح لاهل الصلاح* اثر سید زین الدین علی بن عبد الحمید حسینی نجفی (قرن هشتم) (فهرست مرعشی، ش ۴۵۶۸)؛ چاپ *مصباح المتعهد*، این اثر مفصل در سال‌های اخیر به همت مؤسسه فقه الشیعه و به کوشش ابوذر بیدار به‌زیبایی و با مقابله نسخه‌های متعدد منتشر شده است (جعفریان، ۱۳۷۵: ۲۱۲-۲۱۳).

۵. با توجه به اینکه این مقاله برگرفته از رساله دکتری راهین تک‌فلاح است، در آن رساله احادیث کتاب *مصباح المتعهد* شماره‌گذاری شده و به صورت پیوست به رساله الصاق شده است.

۶. در صورت وجود سند در نرم‌افزار درایه النور برای بررسی اسناد روایات و مشخص کردن نوع سند از آن نرم‌افزار استفاده شده است. نیز در بررسی صورت گرفته حدیث مسند و متصل به یک معنا به کار رفته است.

۷. در بحث مرسلات ۳ نفر از اصحاب اجماع (صفوان بن یحیی، ابن‌ابی عمیر، بزنی) مبنی بر آنکه ارسال آنها همانند اتصال است و به یکی از توثیقات عمومی بین علمای شیعه امامیه شهرت یافته است (مازندرانی حائری، ۱۴۱۶: ۹/۱؛ طوسی، ۱۴۱۷: ۱۵۴/۱؛ قمی، ۱۳۷۸: ۴۷۸؛ العاملی، ۱۴۲۱: ۵۹؛ دیاری بیگدلی، ۱۳۸۲: ۹۱، ۹۰؛ طباطبایی، بی‌تا: ۴۶؛ مکی العاملی الجزینی، بی‌تا: ۵۳؛ العاملی، ۱۴۲۵: ۸۶؛ عاملی، ۱۴۰۱: ۱۷۸؛ سبحانی، ۱۴۱۴: ۱۴۴؛ انصاری، ۱۴۱۵: ۱۰۱/۱، ۱۰۰) ما اصحاب اجماع را طبق دیدگاه خوئی قبول داریم. ایشان معتقد است این افراد خودشان انسان‌های خوبی هستند و اگر حدیث اینها مرسل باشد می‌شود مرسل، و قبل و بعد آنها هیچ تأثیر و دخالتی ندارد. چه بسا این افراد از راوی ضعیف نقل روایت کرده‌اند (خوئی، بی‌تا: ۶۷ و ۶۸). بنابراین، مرسلاتشان را بر اساس دیدگاه خوئی در دسته روایات مرسل خواهیم آورد.

۸. در روایاتی که شیخ طوسی در سند تعبیر «جماعة» را آورده است ما بر آن صحه گذاشته و آن را پذیرفته‌ایم؛ زیرا قطعاً در میان این جماعت افراد خوب هم وجود دارد و از نظر بحث رجالی نیز می‌گویند نمی‌توانیم بگوییم این جماعت چه کسانی هستند اما در میان افرادی که به ایشان خبر می‌دهند قطعاً انسان‌های خوبی هم وجود دارند. شیخ طوسی در بسیاری از اسناد و طرق به اصول و مصنفات، عبارت «عدة» یا «جماعة» را به کار برده است. شاید برخی تصور کنند که همین امر

موجب ضعف طریق می‌شود؛ زیرا افرادی که در این «عده» یا «جماعة» هستند مجهول و ناشناخته‌اند. در حالی که این تصور درست نیست. زیرا قرائنی وجود دارد که نشان می‌دهد مراد شیخ طوسی از این عبارت، شیخ مفید و دیگر مشایخ معروف ایشان است. از جمله این قرائن: در ترجمه احمد بن حسن اسفرائینی می‌نویسد: «اخبیرنا جماعة من اصحابنا؛ منهم الشیخ ابو عبدالله محمد بن محمد بن النعمان المفید و الحسین بن عبیدالله و احمد بن عبدون و غیرهم» (طوسی، ۱۴۲۰: ۶۷). مراد شیخ طوسی از «جماعة» افرادی همچون شیخ مفید، حسین بن عبیدالله غضائری، جعفر بن حسن بن حسکه، محمد بن سلیمان حمرانی (حمدانی) است که در طریق شیخ طوسی به کتب و روایات شیخ صدوق قرار گرفته‌اند. شیخ طوسی در ترجمه محمد بن علی بن الحسین بن بابویه معروف به شیخ صدوق بعد از یادآوری آثار علمی وی می‌نویسد: «اخبیرنا بجمع کتبه و روایاته جماعة من اصحابنا منهم الشیخ المفید و الحسین بن عبیدالله و ابوالحسین جعفر بن الحسن بن حسکه القمی و ابو زکریا محمد بن سلیمان الحمرانی (حمدانی)». بنابراین، با علم به وجود شخصیتی همچون شیخ مفید در میان «جماعة» و وثاقت وی، دیگر نیازی به شناخت سایر افراد نیست (علی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۱۹، ۲۰). با توجه به مطالبی که گذشت، ما روایاتی را که دارای لفظ «جماعة» بود در شمار روایات مرسلی که مضر نیست آورديم.

۹. در بررسی رجالی ابتدا به اصول رجالی اولیه همچون کتاب رجالی شیخ طوسی، فهرست شیخ طوسی و نجاشی و رجال کشی مراجعه شده و در صورت فقدان نام راوی در کتب اصول رجالی اولیه به معجم رجال الحدیث اثر خوبی مراجعه کرده‌ایم. زیرا ایشان قول علمای رجالی را در کتاب رجالی‌اش گرد آورده و پس از بیان اقوال علمای رجال با عبارت «أقول» نتیجه‌گیری کرده است. علاوه بر آن، به هنگام تعارضات جرح و تعدیل، خود، آنها را بررسی و رفع تعارض کرده است. بنابراین، در اختلافات قول خوبی را ملاک قرار می‌دهیم. در جاهایی که خوبی حل تعارض نکرده است قول نجاشی بر قول شیخ طوسی مقدم است. چنانچه بحرالعلوم در *فوائد الرجالیة* آورده است: «احمد بن علی نجاشی از مشایخ ثقات و از بزرگان عادل و عظیم‌ترین ارکان جرح و تعدیل روات و اعلم علمای این راه محسوب می‌شود. برای تقدیم قول نجاشی گروهی از اصحاب با نظر به کتابش، که در این موضوع بی‌نظیر است، سخن صریح دارند و ظاهر این است که این نظر صواب و صحیح است». بحرالعلوم به اختصار عوامل تقدیم قول نجاشی را بیان می‌کند: ۱. تألیف نجاشی بعد از دو تألیف شیخ طوسی؛ ۲. تخصص منحصر نجاشی در علم رجال به خلاف شیخ طوسی؛ ۳. نزدیکی نجاشی به ابن‌غضائری و بهره‌بردن از آن؛ ۴. وسیع بودن طرق او و درک بسیاری از مشایخ علمای رجال همچون سیرافی، ابی‌الفرج الکاتب، ابی‌الحسن الجندی که شیخ طوسی آنها را درک نکرده است؛ ۵. اصرار بر جرح و تعدیل راویان، دقت و تأمل در افادات و مقالات (بحرالعلوم، بی‌تا: ۹۷)؛

استرآبادی، ۱۴۲۲: ۱۷۴/۳؛ دیاری بیگدلی، ۱۳۸۴: ۲۱۱-۲۳۷؛ مهریزی، ۱۳۷۷: ۱-۸؛ عزیز و مطیعی، ۱۳۹۳: ۴۹-۸۴). گاه خوبی راوی را به دلیل واقع شدن در اسناد کامل الزیارات توثیق کرده است. اما وی بعدها از این دیدگاهش برگشته است. بنابراین، نگارنده بر اساس دیدگاه دوم خوبی و اعراض وی از نظر اول به بیان جرح و تعدیل راویان پرداخته است (رحمان سنایش، بی تا: ۴۶). سید جواد شبیری در درس خارج اصول (مورخ ۱۳/۱۲/۹۶) می گوید خوبی خود نیز از این نظر برگشته، اما در ابتدا می گفت ظاهر عبارت ابن قولویه در مقدمه این است که می خواهد تمام افراد واقع در اسناد روایات کامل الزیارات را توثیق کند. اما به نظر می رسد این وجه صحیح نباشد؛ زیرا با توجه به ورود روایات مرسل، مقطوع، منقطع و مقطوع الضعف در اسناد کامل الزیارات نمی توان چنین ادعایی را پذیرفت. به همین دلیل خوبی پس از بازگشت از نظریه اول توثیق مشایخ بی واسطه ابن قولویه را پذیرفته است.

منابع

آقابزرگ طهرانی، محمدحسن (بی تا). *حیة الشیخ الطوسی ضمن النهایة شیخ الطوسی*، قم: انتشارات قدس محمدی.

ابن جوزی، سبط (۱۴۲۲). *مرآة الزمان فی تواریخ الاعیان*، بیروت: عالم الکتب.

ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۰۹). *الاقبال بالاعمال الحسنة*، تهران: دار الکتب الاسلامیة.

ابن طاووس، محمد بن علی (۱۳۳۰). *جمال الاسبوع بکمال العمل المشروع*، قم: دار الرضی.

استادی، رضا (۱۳۶۲). «تألیفات شیخ طوسی»، در: *نور علم*، ش ۶۲، ص ۹۸-۱۰۳.

استرآبادی، محمدعلی (۱۴۲۲). *منهج المقال فی تحقیق احوال الرجال*، قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.

انصاری، مرتضی بن محمدامین (۱۴۱۴). *الرسائل الفقهیة*، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.

انصاری، مرتضی بن محمدامین (۱۴۱۵). *کتاب الصلاة*، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.

بحرالعلوم، محمد (بی تا). *فوائد الرجالیة*، تهران: منشورات مکتبه الصادق.

بحرانی، یوسف بن احمد (۱۴۰۵). *الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

بهمن پوری، عبدالله؛ موحدی، عظیم (۱۳۸۸). «بررسی علل اختلاف آرای فقها در رویکرد به اخبار»، در:

مطالعات اسلامی فقه و اصول، ش ۸۳، ص ۸۱-۱۱۲.

میرحسینی، یحیی (۱۳۹۶). «هویت و اصالت روایات طبی با رویکرد نقد بیرونی»، در: *پاکچی*، احمد

(سرپرست علمی)، *جستارهایی در اعتبارسنجی و فهم روایات طبی*، تهران: انتشارات طب سنتی ایران.

جزائری، محمدجعفر (۱۴۱۶). *هدی الطالب فی شرح المکاسب*، قم: دارالکتب.

- جعفریان، رسول (۱۳۷۵). «ادب دعا در شیعه»، در: *نامه مفید*، ش ۵، ص ۲۰۵-۲۳۴.
- الحارثی العاملی (بهائی)، بهاء الدین محمد بن حسین (۱۴۱۱). *مفتاح الفلاح*، بیروت: دار الأضواء.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶). *وسائل الشیعة الی تحصیل الشریعة*، قم: مؤسسه آل‌البتیة لإحیاء التراث.
- حلی، ابن فهد (۱۴۱۰). *عدة الداعی و نجاح الساعی*، قم: دار الکتب الاسلامی.
- حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۷). *خلاصة الاقوال فی معرفة الرجال*، تحقیق: جواد قیومی، قم: مؤسسه نشر الفقاهة.
- حموی بغدادی، یاقوت (۱۳۹۷). *معجم البلدان*، بیروت: دار صادر.
- خانی، حامد (۱۳۸۶). *گونه‌شناسی تألیفات داعی عالمان مسلمان تا ابن طاووس و سیر تحول آن*، استاد راهنما: عباس همای، رساله دکتری الاهیات و فلسفه، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.
- خویی، ابوالقاسم (بی‌تا). *معجم رجال‌الحديث*، نجف: مؤسسه اسلامی آیت‌الله خویی.
- دیاری بیگدلی، محمدتقی (۱۳۸۲). «بررسی حجیت مراسیل ابن‌ابی‌عمیر»، در: *پژوهش‌نامه قرآن و حدیث*، پیش‌شماره ۱، ص ۲۱۱-۲۳۷.
- دیاری بیگدلی، محمدتقی (۱۳۸۴). «داوری در باب تعارض آرای نجاشی و دیگر رجال‌شناسان متقدم شیعه»، در: *علوم حدیث*، ش ۳۵ و ۳۶، ص ۲۱۱-۲۳۷.
- ربانی بیرجندی، محمدحسن (۱۳۷۸). «وثوق صدوری و وثوق سندی و دیدگاه‌ها»، در: *فقه*، ش ۱۹-۲۰، ص ۱۴۵-۲۰۷.
- ربیع نناج، علی‌اکبر؛ اکبری، زهرا (۱۳۹۱). «کاوشی در دعای ام‌داوود»، در: *سفینه*، ش ۳۶، ص ۸۲-۱۰۵.
- رحمان ستایش، کاظم (بی‌تا). *توثیقات عام و خاص*، بی‌جا: دانشگاه قرآن و حدیث.
- سبحانی، جعفر (۱۴۱۴). *کلیات فی علم الرجال*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- شبییری زنجان، سید جواد (۹۶/۱۲/۱۳). *درس خارج اصول*: thaghrir.ismc.ir
- شبییری زنجان، محمد جواد (بی‌تا). *اصول الرجال*، بی‌جا: مؤسسه الولاء للدراسة الاسلامیة.
- صالح، صبحی (۱۰۸۵). *علوم الحدیث و مصطلحه*، بیروت: دار العلم للملایین.
- طباطبایی، عبد‌العزیز (۱۴۱۶). *مکتبة العلامة الحلی*، قم: مؤسسه آل‌البتیة لإحیاء التراث.
- طباطبایی، محمد بن علی (بی‌تا). *مفاتیح الاصول*، قم: مؤسسه آل‌البتیة لإحیاء التراث.
- طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳). *الاحتجاج علی اهل اللجاج*، مشهد: نشر مرتضی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱). *مصباح‌المتهجد و سلاح‌المتعبد*، بیروت: مؤسسه الفقه الشیعة.

اعتبار سنجی روایات کتاب مصباح المتعهد و سلاح المتعد / ۱۰۱

- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۷). *علاء الاصول*، قم: بی‌نا.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۲۰). *فهرست کتب الشیعة و اصولهم و اسماء المصنفین و اصحاب الاصول*، به کوشش: سید عبدالعزیز طباطبایی، قم: مکتبه المحقق الطباطبایی.
- العاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۳۸۱). *الرعاية لحال البدایة فی علم الدرایة*، قم: بوستان کتاب.
- العاملی (شیخ بهایی)، بهاء الدین محمد بن حسین (بی‌تا). *الاربعون حدیثاً*، قم: انتشارات اسلامی.
- عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی (۱۴۱۴). *المصباح فی الادعیة والصلوات والزیارات والاحراز والعودات*، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
- عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی (۱۴۱۸). *البلد الامین والدرع الحصین*، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
- العاملی، حسن بن زین الدین (۱۳۶۲). *منتقى الجمال فی الاحادیث الصحاح والحسان*، قم: جامعه مدرسین.
- العاملی، حسین بن عبد الصمد (۱۴۰۱). *وصول الاخبار الی وصول الاخبار*، قم: مجمع الذخائر الاسلامیة.
- العاملی، زین الدین بن علی (۱۴۲۱). *البدایة فی علم الدرایة*، قم: بی‌نا.
- العاملی، محمد بن حسین (۱۴۲۵). *زبدة الاصول مع حواشی المصنّف علیها*، قم: دار البشیر.
- العاملی، محمد بن حسین (بی‌تا). *مشرق الشمسین*، مشهد: آستان قدس رضوی.
- عراقی، ضیاء الدین (بی‌تا). *نهایة الافکار*، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- عزیز، مجتبی؛ مطیعی، میثم (۱۳۹۳). «مناهی ملاک ترجیح اقوال رجالیون در تعارض جرح و تعدیل»، در: *حدیث پژوهی*، ش ۱۱، ص ۴۹-۸۴.
- علی نژاد، ابوطالب (۱۳۹۰). «آشنایی با طریق شیخ طوسی و نقش کاربرد آن»، در: *حدیث حوزه*، ش ۲، ص ۷-۳۱.
- غروی نائینی، نهل؛ جاویدانی، نیره (۱۳۸۴). «نگاهی به روش تدوین سند در کتاب من لایحضر الفقیه»، در: *مطالعات اسلامی*، ش ۶۸، ص ۸۷-۱۱۶.
- غلام‌علی، احمد (۱۳۹۲). «اعتبارسنجی الصحیفة السجادیة»، در: *علوم حدیث*، ش ۶۹، ص ۳۲-۵۸.
- فیض کاشانی، محمد حسن بن شاه مرتضی (۱۴۰۶). *الوافی*، اصفهان: کتاب‌خانه امیرالمؤمنین (علیه السلام).
- قمی، ابوالقاسم (۱۳۷۸). *قوانین الاصول*، تهران: مکتبه العلمیة الاسلامیة.
- قمی، عباس (۱۳۷۷). *مفاتیح الجنان*، تهران: قدیانی.
- مازندرانی حائری، محمد بن اسماعیل (۱۴۱۶). *منتهی المقال فی احوال الرجال معروف به رجال بوعلی*، قم: مؤسسة آل‌البت للاحیاء التراث.
- مامقانی، عبدالله (۱۴۱۱). *مقباس الهدایة*، قم: مؤسسة آل‌البت.

مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). *بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

مجلسی، محمد باقر (۱۴۲۳). *زاد المعاد و مفتاح الجنان*، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.

مدیر شانه‌چی، کاظم (۱۳۸۷). *درایة الحدیث*، قم: مؤسسة النشر الاسلامی.

مسعودی، عبدالهادی (۱۳۸۹). *وضع و نقد حدیث*، تهران: سمت.

معارف، مجید (۱۳۹۵). *تاریخ عمومی حدیث*، تهران: کویبر.

مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۶). *کتاب المزار*، ترجمه: محمدباقر ابطحی، قم: کنگره هزاره شیخ مفید.

مکی العاملی الجزینی، محمد بن جمال الدین (بی‌تا). *ذکرى الشيعة فى احكام الشريعة*، قم: مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث.

موسوی الغریفی، محیی الدین (بی‌تا). *قواعد الحدیث*، قم: مکتبه المفید.

موسوی خمینی، روح‌الله (بی‌تا). *کتاب البیع*، قم: اسماعیلیان.

موسوی عاملی، محمد بن علی (۱۴۱۰). *مدارک الاحکام فى شرح الشرائع الاسلام*، قم: مؤسسة آل البيت (ع).

مهریزی، مهدی (۱۳۷۷). «تعارض اخبار»، در: *علوم حدیث*، ش ۹، ص ۲-۸.

النجاشی، احمد بن علی (۱۴۰۷). *الرجال*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

نجفی، محمد حسن (بی‌تا). *جواهر الكلام*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

نراقی، احمد بن محمد (بی‌تا). *عوائد الايام*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

نرم‌افزار درایة النور (بی‌تا). نسخه ۱/۲، قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، بیروت: مؤسسة آل البيت (ع).

لاحیاء التراث.

همدانی، رضا (بی‌تا). *مصباح الفقیه*، قم: مؤسسة الجعفریة لاحیاء التراث.

References

- Agha Bozorg Tehrani, Mohammad Hasan. n.d. *Hayat al-Sheykh al-Tusi Zemm al-Nehayah Sheykh al-Tusi*, Qom: Qods Mohammadi Publications. [in Arabic]
- Al-Ameli (Shahid Thani), Zeyn al-Din ibn Ali. 2003. *Al-Reayah li Hal al-Bedayah fi Elm al-Derayah*, Qom: Bustan Ketab. [in Arabic]
- Al-Ameli (Sheykh Bahayi), Baha al-Din Mohammad ibn Hoseyn. n.d. *Al-Arbaoun Hadiitha (Forty Narrations)*, Qom: Islamic Publications. [in Arabic]
- Al-Ameli, Hasan ibn Zeyn al-Din. 1984. *Montagha al-Jamman fi al-Ahadith al-Sehah wa al-Hesan*, Qom: Teachers Association. [in Arabic]
- Al-Ameli, Hoseyn ibn Abd al-Smad. 1981. *Wosul al-Akhyar ela Wosul al-Akhbar (Access of the Elect to the Narrations)*, Qom: Islamic Treasure Trove Assembly. [in Arabic]
- Al-Ameli, Mohammad ibn Hoseyn. 2004. *Zubdah al-Osul ma'a Hawashi al-Musannef alayha (Excerpts from the Principles of Jurisprudence with the Annotations of the Author)*, Qom: Dar al-Bashir. [in Arabic]
- Al-Ameli, Mohammad ibn Hoseyn. n.d. *Mashregh al-Shamsayn (Sunrise of the Two Suns)*, Mashhad: Imam Reza Shrine.
- Al-Ameli, Zeyn al-Din ibn Ali. 2000. *Al-Bedayah fi Elm al-Derayah (Introduction to the Science of Hadith Terminology)*, Qom: n.pub. [in Arabic]
- Al-Harethi al-Aameli (Bahayi), Baha al-Din Mohammad ibn Hoseyn. 1990. *Meftah al-Falah (The Key to Salvation)*, Beirut: Dar al-Azwa. [in Arabic]
- Alinezhad, Abutaleb. 2012. "Ashnayi ba Tarigh Sheykh Tusi wa Naghsh Karbordi An (Introduction to Sheikh Tusi's Method and Its Practical Role)". In: *Hadith of the Seminary*, no.2, pp. 7-31. [in Farsi]
- Al-Najjash, Ahmad ibn Ali. 1987. *Al-Rejal (The Men)*, Qom: Qom Seminary Teachers Association. [in Arabic]
- Ameli Kafami, Ibrahim ibn Ali. 1993. *Al-Mesbah fi al-Ad'iyah wa al-Salawat wa al-Ziyarat wa al-Ehraz wa al-Ozat (The Light in Supplications and Salutation and Pilgrimages and Notifications and Talismans)*, Beirut: Al-Alamy Foundation for Publications. [in Arabic]

- Ameli Kafami, Ibrahim ibn Ali. 1997. *Al-Balad al-Amin wa al-Dir' al-Hasin (The Safe Country and the Strong Shield)*, Beirut: Al-Alamy Foundation for Publications. [in Arabic]
- Ansari, Morteza ibn Mohammad Amin. 1993. *Al-Rasa'el al-Feghhiyah (Jurisprudential Treatises)*, Qom: World Congress in Honor of Sheikh Azam Ansari. [in Arabic]
- Ansari, Morteza ibn Mohammad Amin. 1994. *Ketab al-Salah (Book of Prayer)*, Qom: World Congress in Honor of Sheikh Azam Ansari. [in Arabic]
- Araghi, Ziya al-Din. n.d. *Nehayah al-Afkar (The End of Thoughts)*, Qom: Islamic Publications Office Affiliated with Qom Seminary Teachers Association. [in Arabic]
- Aziz, Mojtaba; Moti'i, Meytham. 2015. "Mabnay Melak Tarjih Aghwal Rejaliiyun dar Ta'aroz Jarh wa Ta'dil (The Basis of the Criterion Used to Prefer the Sayings of the Scholars of Hadith Narrators in the Conflict between Criticism and Praise)". In: *Hadith Research*, no. 11, pp. 49-84. [in Farsi]
- Bahmanpuri, Abdollah; Mowahhedi, Azim. 1968. "Barresi Elal Ekhtelaf Aaraye Foghaha dar Ruykard be Akhbar (Investigating the Causes of Jurists' Differences of Opinion in Their Approach to Narrations)". In: *Islamic Studies of Jurisprudence and Principles of Jurisprudence*, no. 83, pp. 81-112. [in Farsi]
- Bahr al-Olum, Mohammad. n.d. *Fawaed al-Rejaliiyah*, Tehran: Al-Sadigh Library Publications. [in Arabic]
- Bahrani, Yusof ibn Ahmad. 1985. *Al-Hada'egh al-Nazerah fi Ahkam al-Etrah al-Taherah (Fresh Gardens on the Rulings of the Pure Family)*, Qom: Islamic Publications Office. [in Arabic]
- Derayah al-Nur Software. n.d. Version 1/2, Qom: Computer Research Center of Islamic Sciences.
- Diyari, Bigdeli, Mohammad Taghi. 2004. "Barresi Hojjiyat Marasil Ibn Abi Omayr". In: *Research Journal of Quran and Hadith*, Preface 1, pp. 211-237. [in Farsi]
- Diyari, Bigdeli, Mohammad Taghi. 2006. "Dawari dar bab Taaroz Aray Najashi wa Digar Rejalshenasan Moteghaddem Shiah (Judging the Conflict between the Views of Najashi and Other Early Shiite Scholars of Rejal Science)". In: *Hadith Science*, no. 35 & 36, pp. 211-237. [in Farsi]

- Feyz Kashani, Mohammad Hasan ibn Shah Murteza. 1986. *Al-Wafi*, Isfahan: Amir al-Mumenin Library. [in Arabic]
- Gharawi Naini, Nehleh; Jawidani, Nayyereh. 2006. "Negahi be Rawesh Tadwin Sanad dar Ketab Man La Yahzoroh al-Faghih (A look at the Method of Compiling the Chain of Transmitters in the Book Man La Yahzoroh al-Faghih)". In: *Islamic Studies*, no. 68, pp. 87-116. [in Farsi]
- Gholam Ali, Ahmad. 2014. "Etebarsanji al-Sahifah al-Sajjadiyah (Validity Investigation of Sajjadiyah Treatise)". In: *Hadith Science*, no. 69, pp. 32-58. [in Farsi]
- Hamedani, Reza. n.d. *Mesbah al-Faghih (Light for Jurists)*, Qom: Al-Ja'fariyah Foundation for the Revival of Heritage. [in Arabic]
- Helli, Hasan ibn Yusof. 1996. *Kholasah al-Aghwal fi Marefah al-Rejal (Summary of Sayings in the Identification of Transmitters)*, Researched by Jawad Ghayyumi, Qom: Jurisprudence Publishing Foundation.
- Helli, Ibn Fahd. 1989. *Oddah al-Dai wa Nejah al-Sai (Provision of the Preacher and Achievement of the Seeker)*, Qom: Dar al-Kotob al-Islami. [in Arabic]
- Hemawi Baghdad, Yaghut. 2019. *Mujam al-Boldan (Dictionary of Countries)*, Beirut: Dar Sader. [in Arabic]
- Horr Aameli, Mohammad ibn Hasan. 1995. *Wasa'el al-Shiah ila Tahsil al-Shariah (The Means of the Shiites to Achieve the Sharia)*, Qom: Al al-Bayt Foundation for the Revival of Heritage. [in Arabic]
- Ibn Jozi, Sebt. 2001. *Meraat al-Zaman fi Tawarikh al-Ayan (Mirror of Time in the Histories of the Nobles)*, Beirut: Aalam al-Kotob (World of Books). [in Arabic]
- Ibn Tawus, Ali ibn Musa. 1988. *Al-Ighbal be al-Aamal al-Hasanah (Good Luck with Good Deeds)*, Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyah. [in Arabic]
- Ibn Tawus, Mohammad ibn Ali. 1952. *Jamal al-Osbu' be Kamal al-Amal al-Mashru (The Beauty of the Weeks with the Perfection of the Legitimate Action)*, Qom: Dar al-Razi. [in Arabic]
- Istarabadi, Mohammad Ali. 2001. *Manhaj al-Maghal fi Tahghigh Ahwal al-Rejal (The Method of the Speech in Achieving the Conditions of Transmitters)*, Qom: Al al-Bayt Foundation for the Revival of Heritage. [in Arabic]
- Jafariyan, Rasul. 1997. "Adab Doa dar Shiah (The Etiquette of Prayer in Shia). In: *Nameh Mofid*, no. 5, pp. 205-234. [in Farsi]

- Jazaeri, Mohammad Jafar. 1995. *Hoda al-Taleb fi Sharh al-Makaseb (Guidance of the Student in Explaining Al-Makaseb)*, Qom: Dar al-Kotob. [in Arabic]
- Khani, Hamed. 2008. *Gunihshehensi Talifat Doayi Aleman Mosalman ta Ibn Tawus wa Seyr Tahawwul An (Typology of the Prayer Writings of Muslim Scholars up to Ibn Tawus and Their Evolution)*, Supervisor: Abbas Homami, PhD Thesis in Theology and Philosophy, Tehran: Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran. [in Farsi]
- Khuyi, Abulghasem. n.d. *Mujam Rejal al-Hadith (Dictionary of Hadith Transmitters)*, Najaf: Ayatollah Khuyi Islamic Institute. [in Arabic]
- Ma'aref, Majid. 2017. *Tarikh Omumi Hadith (General History of Narrations)*, Tehran: Kawir. [in Farsi]
- Majlesi, Mohammad Bagher. 1983. *Behar al-Anwar al-Jameah li Durar Akhbar al-Aemmah al-Athar (Oceans of Light, the Collection for Pearls of Narrations of the Infallible Imams)*, Beirut: Foundation for the Revival of Arabic Heritage. [in Arabic]
- Majlesi, Mohammad Bagher. 2002. *Zad al-Ma'ad wa Meftah al-Jenan (Provision of the Hereafter and Key of the Heavens)*, Beirut: Al-Alamy Foundation for Publications. [in Arabic]
- Makki al-Ameli al-Jezini, Mohammad ibn Jamal al-Din. n.d. *Zekra al-Shiah fi Ahkam al-Shariah (Reminder of the Shiites on the Rulings of Sharia)*, Qom: Al al-Bayt Foundation for the Revival of Heritage. [in Arabic]
- Mamaghani, Abdollah. 1990. *Meghbas al-Hedayah*, Qom: Al al-Bayt Institute. [in Arabic]
- Mas'udi, Abd al-Hadi. 2011. *Waz' wa Naghd Hadith (Forgery and Critique of Hadith)*, Tehran: Samt. [in Farsi]
- Mazandarani Haeri, Mohammad ibn Esma'il. 1995. *Muntaha al-Maghal fi Ahwal al-Rejal Ma'ruf be Rejal Bu'ali*, Qom: Al al-Bayt Foundation for the Revival of Heritage. [in Arabic]
- Mehrzi, Mahdi. 1999. "Ta'aroz Akhbar (Conflict between Narrations)". In: *Hadith Science*, no. 9, pp. 2-8. [in Farsi]

- Mirhoseyni, Yahya. 2018. "Howiyat wa Isalat Rewayat Tebbi ba Ruykard Naghd Biruni (Identity and Originality of Medical Narrations with an External Critique Approach)". In: Pakatchi, Ahmad (Scientific Supervisor), *Jastarhayi dar Itebarsanji wa Fahm Rewayat Tebbi (Essays in the Validity Investigation and Understanding of Medical Narrations)*, Tehran: Iranian Traditional Medicine Publications. [in Farsi]
- Mudir Shanehchi, Kazem. 2009. *Derayah al-Hadith (Terminology of Narrations)*, Qom: Islamic Publishing Foundation.
- Mofid, Mohammad ibn Mohammad. 1995. *Ketab al-Mazar (Book of Pilgrimage)*, Translated by Mohammad Bagher Abtahi, Qom: Sheikh Mofid Millennium Congress. [in Farsi]
- Musawi al-Gharifi, Muhyi al-Din. n.d. *Ghawaed al-Hadith (Principles of Narrations)*, Qom: Al-Mofid Library.
- Musawi Ameli, Mohammad ibn Ali. 1989. *Madarek al-Ahkam fi Sharh al-Sharae' al-Islam (Evidence of Rulings in the Explanation of Islamic Law)*, Qom: Al-Bayt Institue. [in Arabic]
- Musawi Khumeyni, Ruhollah. n.d. *Ketab al-Bay' (Book of Trade)*, Qom: Esma'iliyan. [in Arabic]
- Najafi, Mohammad Hasan. n.d. *Jawaher al-Kalam (The Jewel of the Words)*, Beirut: Foundation for the Revival of Arabic Heritage. [in Arabic]
- Naraghi, Ahmad ibn Mohammad. n.d. *Awaed al-Ayyam (Profits of Times)*, Qom: Qom Seminary Islamic Propagation Islamic Office. [in Arabic]
- Nuri, Huseyn ibn Mohammad Taghi. 1988. *Mustadrak al-Wasael wa Mustanbat al-Masael*, Qom: Al al-Bayt Foundation for the Revival of Heritage. [in Arabic]
- Ostadi, Reza. 1984. "Talifat Sheykh Tusi (Compilations of Sheikh Tusi)". In: *Nur Ilm (Light of Knowledge)*, no. 62, pp. 98-103. [in Farsi]
- Qommi, Abbas. 1999. *Mafatih al-Jenan (Heaven's Keys)*, Tehran: Ghadyani. [in Arabic]
- Qommi, Abu al-Qasem. 2000. *Qawanin al-Osul (Regulations of the Principles of Jurisprudence)*, Tehran: Islamic Scientific Library. [in Arabic]

- Rabbani Birjandi, Mohammad Hasan. 2000. "Wothugh Soduri wa Wothugh Sanadi wa Didgaha (Authenticity of the Narration based on Its Expression and Its Transmitters and the Related Views)". In: *Jurisprudence*, no. 19-20, pp. 145-207. [in Farsi]
- Rabi Netaj, Ali Akbar; Akbari Zahra. 2013. "Kawoshi dar Doa Umm Dawud (Exploration in the Prayer of Umm Dawud)". In: *Safineh*, no. 36, pp. 82-105. [in Farsi]
- Rahman Setayesh, Kazem. n.d. *Tothighat Aam wa Khas (General and Particular Confirmations)*, n.p: University of Quran and Hadith. [in Farsi]
- Saleh, Sobhi. 1674. *Uloum Hadith wa Mustalahehi (Hadith Sciences and Terminology)*, Beirut: Dar al-Elm lel Malaeen. [in Arabic]
- Shobeyri Zanjani, Mohammad Jawad. n.d. *Osul al-Rejal (Principles of the Science of Transmitters)*, n.p: Al-Wela Foundation for Islamic Studies. [in Arabic]
- Shobeyri Zanjani, Seyyed Jawad. 3/4/2018. The Specialized Course of the Principles of Jurisprudence: thaghrir.ismc.ir
- Sobhani, Jafar. 1993. *Kolliyat fi Ilm al-Rejal (Generalities in the Science of Transmitters)*, Qom: Islamic Publishing Foundation. [in Arabic]
- Tabarsi, Ahmad ibn Ali. 1983. *Al-Ehtejaj ala Ahl al-Lejaj (Arguments against the Stubborn)*, Mashhad: Morteza Publication. [in Arabic]
- Tabatabayi, Abd al-Aziz. 1995. *Maktabah al-Allamah al-Helli (Allamah Helli Library)*, Qom: Al al-Bayt Foundation for the Revival of Heritage. [in Arabic]
- Tabatabayi, Mohammad ibn Ali. n.d. *Mafatih al-Osul*, Qom: Al al-Bayt Foundation for the Revival of Heritage. [in Arabic]
- Tusi, Mohammad ibn Hasan. 1990. *Mesbah al-Motehajjed wa Selah al-Moteabbed (The Light of the Pious and the Weapon of the Worshiper)*, Beirut: Shiite Jurisprudence Foundation. [in Arabic]
- Tusi, Mohammad ibn Hasan. 1996. *Oddah al-Osul*, Qom: n.pub. [in Arabic]
- Tusi, Mohammad ibn Hasan. 1999. *Fehrest Kotob al-Shiah wa Osulehem wa Asma al-Musannefin wa Ashab al-Osul (List of Shiite Books and Their Sources and the Names of the Authors and the Compilers of the Sources)*, Edited by Seyyed Abd al-Aziz Tabatabayi, Qom: Researched Tabatabayi Library. [in Arabic]